



## بازشناسی هندسه ی علوم حدیثی

پدیدآورده (ها) : افشاری، محمدحسین

علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزه :: زمستان 1389 - شماره 1

از 149 تا 169

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/867369>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث

تاریخ دانلود : 06/08/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# بازشناسی هندسه‌ی علوم حدیث

محمدحسین افشاری

## چکیده

مقاله‌ی بازشناسی هندسه‌ی علوم حدیثی، نوشتاری است درباره‌ی علوم حدیثی که در آن به اجمال معرفی دانش‌های حدیثی (علم رجال، فقه الحدیث، مصطلحات الحدیث، تاریخ حدیث و منبع‌شناسی) پرداخته و پس از معرفی آنها و بیان زیر شاخه‌های این علوم، به بیان مهم‌ترین مسایل مطرح شده در هر کدام یک از آنها پرداخته است.

**کلیدواژه:** حدیث، علوم حدیثی، رجال، فقه الحدیث، مصطلحات الحدیث، تاریخ حدیث و منبع‌شناسی.

## مقدمه

احادیث از دیرباز به‌عنوان یکی از منابع فهم دین، مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است و درباره‌ی آن علمی قدم به میان گذاشتند تا بتوانند از این منابع، بهترین و کامل‌ترین بهره‌ها را به‌دست آورند. این دسته از دانش‌ها را از آن روی، علوم حدیثی نامیده‌اند که عالم به این علم را در پذیرفتن سخنی به‌عنوان حدیث در مرحله‌ی اول و در مرحله‌ی بعد، در فهم مقصود یاری می‌رساند و هدف از آموختن آن جز این نیست.

لازم است قبل از شروع بحث، درباره‌ی حدیث سخنی به میان آورده شود و به اختلافاتی که در این میان برای تعریف این واژه شده، اشاره کرده و در ادامه به شرح هندسه‌ی علوم حدیثی پرداخته شود.

## حدیث

«حدیث» در لغت به چیزی گفته می‌شود که قبلاً ناپیدا بوده و سپس پیدا شده است. (امینین تاربین زکریا، مجمع مفاتیح اللغه، قم: نشر اسلام اسلامی، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۳۶) به همین دلیل کلام را حدیث گفته‌اند که اندک‌اندک اجزای آن پدید می‌آید؛ (مجموع البحرین، ج ۱، ص ۳۷) اما حدیث در نزد دانشمندان شیعه، در چند معنا به کار برده شده است که بهترین و کامل‌ترین آنها، معنایی است که شیخ بهایی آن را در کتاب الوجیزه‌ی خویش - کتابی که درباره‌ی برخی از علوم حدیثی است - بیان کرده است: «الْحَدِيثُ قَوْلُ الْمَعْصُومِ أَوْ مَا يَخُكِي قَوْلَهُ أَوْ فِعْلُهُ أَوْ تَقْرِيرُهُ». (امینین حسن بهایی، الوجیزه، مکتبه الاسلام، ص ۲)

حدیث همان سخن معصوم (علیه السلام) و هر آنچه حکایت از گفتار، اعمال و تقریر معصوم (علیه السلام) باشد. در این میان، تعاریف دیگری نیز، برای حدیث بیان شده است؛ از جمله: حدیث، در اصطلاح عبارت است از گزارش قول، فعل و تقریر معصوم (علیه السلام). (مفردان اولادیه، ج ۱، ص ۵۷) حکایت سخن، فعل و تقریر معصوم (علیه السلام) را حدیث گویند،<sup>۱</sup> عبارت است از گفتار غیر قرآنی خداوند، معصومان، صحابه، تابعان و حکایت فعل و تقریر آنان. (علی نصیری، اشعری با علم حدیث قم مرکز مدیریت حوزه علمی قم، ۱۳۸۲، ص ۴۳) شاید لازم باشد، توضیح بیشتری در این باره بیان شود، تا به گونه‌ای دیگر معنای اصطلاحی حدیث، روشن گردد.

حدیث همان‌طور که بیان شد، سخن معصوم را گویند؛ اما برای انسان‌هایی که در چند قرن بعد از معصومین (علیهم السلام) حضور دارند، دیگر شنیدن از خود معصوم (علیه السلام) امکان‌پذیر نبوده؛ چرا که معصومین (علیهم السلام)<sup>۲</sup> در چند قرن پیش حضور داشته‌اند و بحث شنیدن از ایشان قابل تصور نیست. پس آنچه در این میان مهم است، راه‌های رسیدن این سخنان، از طریق کسانی است که آن کلام را به نسل‌های بعد انتقال می‌دهند یا برای ایشان حکایت می‌کنند.

این حکایت، گاه حکایت سخن ایشان می‌باشد، گاه حکایت یکی از اعمال و کارهایی است که معصومین (علیهم السلام) انجام داده‌اند و گاه حکایت تأییدی است که ایشان بر عمل یکی از مسلمانان دارند که در اصطلاح، آن را تقریر می‌نامند.

### حدیث در نزد اهل سنت

تعریف حدیث در نزد اهل سنت، به دقتی که علمای شیعه در تعریف حدیث دارند، نیست. «سیوطی» یکی از علمای عامه، حدیث را این‌گونه تعریف می‌کند:

«حدیث یعنی فعل، قول و تقریر پیامبر (صلی الله علیه و آله) صحابه<sup>۳</sup> و تابعین<sup>۴</sup> از ایشان.» (جلال الدین سیوطی، شرح لزومی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۱، ص ۳۳)

تفاوت کلی این تعریف با تعریف شیعه آن است که گفته‌های صحابه و تابعین را نیز حدیث نامیده‌اند؛ اما در نزد علمای شیعه، گفتار صحابی هنگامی قبول می‌شود که از گفتار، اعمال و یا تأییداتی



۱. این تعریفی است که علامه حلی آن را در کتاب قوانین الاصول، ص ۴۰۹ خویش آورده‌اند.

۲. به جز مهدی موعود (عج) امام دوازدهم شیعه که در پس پردهی غیبت قرار دارند و شیعه معتقد به زنده بودن و ظهور ایشان می‌باشند.

۳. صحابی در لغت به معنی همراه و همنشین بوده و در اصطلاح عبارتست از شخصی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در حالی که اسلام داشته، حتی برای یک لحظه کوتاه ملاقات نموده و مسلمان هم از دنیا رفته است.

۴. تابعی در لغت به معنی پیرو و دنباله‌روست و در اصطلاح عبارتست از شخصی که صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را ملاقات نموده و مسلمان هم از دنیا رفته است.

که معصومین (علیهم السلام) بر اعمال دیگران دارند، حکایت کند و الا صحابی یا تابعی که از خطا و گناه مصون نیستند، تنها به این دلیل که زمان یا خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا صحابه و تابعین را درک کرده‌اند، نمی‌توان سخن ایشان را قابل اعتبار دانست و آن را حدیث نامید؛ اما درباره‌ی اهل‌بیت (علیهم السلام) این‌گونه نیست؛ چرا که برای اثبات عصمت ایشان در کتاب‌های کلامی دلایل کافی و قانع‌کننده در این باره بیان شده است که خواننده‌ی محترم می‌تواند جهت اثبات این مطالب به کتاب‌های مربوط مراجعه کند.

### خبر، اثر و روایت

این سه اصطلاح از لحاظ معنای لغوی<sup>۱</sup> با هم تفاوت دارند ولیکن در معنای اصطلاحی در نزد محدثان به یک معنا بوده و مرادف با کلمه‌ی "حدیث" می‌باشد.<sup>۲</sup> اهل سنت نیز این الفاظ را مترادف با حدیث می‌دانند؛ اما معمول در بین ایشان این‌گونه است که خبر در علم حدیث، شامل سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و سخنان صحابی و تابعین را اثر می‌دانند.

### اهمیت یادگیری حدیث

احادیث اهل‌بیت (علیهم السلام) یکی از مهم‌ترین منابع فهم دین در کنار قرآن قرار گرفته است که بیشترین حجم گزاره‌های دین را به خود اختصاص داده است.

این منبع فهم دین، در صورت اطمینان به صادرشدن، از معصومین (علیهم السلام) در کنار قرآن، فراهم‌کننده‌ی سعادت و رسیدن انسان به کمال است.

معارف اسلامی در سایه‌سار تعلیم قرآن و حدیث رشد کرده و بارور گردیده است؛ بنابراین، می‌توان آموختن و یادگیری حدیث را از بدیهیات معرفتی دانست.

انسان برای رسیدن به سعادت و کسب علوم دیگر، نیاز به قرآن و احادیث اهل‌بیت (علیهم السلام) دارد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مِنْ مَوَدَّاتِ الْوَالِدِ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ» (مستند به معروف مجلس، کافی، سنن، حواد مصطفوی، تهران، دیاب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۹ ح ۱۲)

<sup>۱</sup> بر چیزی است که آن را گزارش می‌دهند. حال یا این خبر، خبر مهمی باشد و یا غیر مهم. اثر نیز به معنای برجای مانده از چیزی است. روایت هم در لغت به معنای حمل و نقل می‌باشد.

<sup>۲</sup> آنچه در این جا بیان شد، گفتاری است که مورد قبول بیشتر محدثین می‌باشد و گر نه در این جا هم مختصر اخلاقی وجود دارد. رجوع کنید به کتب

آشنایی با علوم حدیث نوشته‌ی علی نصیری، ص ۳-۳.

چیزی نیست، جز آن که درباره‌ی آن آیه‌ی قرآن و یا حدیثی بیان شده است.  
و پیامبر اعظم (ﷺ) نیز فرمودند:

«لَيْسَ شَيْءٌ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ ذَكَرْتُمْ لَكُمْ» (تذکره‌ها، ج ۲، ص ۳۲۹)

هیچ چیزی نیست که باعث دوری شما از آتش جهنم و نزدیکی شما به بهشت شود؛ مگر آن که آن را برای شما بیان نموده‌ام.<sup>۱</sup>

### اجزای حدیث

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَطَّابِ بْنِ مَسْلَمَةَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ (ﷺ): يَا فَضِيلُ إِنَّ حَدِيثَنَا يُحْيِي الْقُلُوبَ» (مجموعه ج ۱، ص ۲۲)

همان‌طور که در این حدیث، مشاهده می‌شود، هر حدیث دارای دو قسمت اصلی است:

۱. سند حدیث: که در آن، نام راویانی که متن حدیث را از معصوم (ﷺ) نقل کرده‌اند، آورده شده است.

۲. متن حدیث: در این قسمت گفتار معصوم (ﷺ) یا عمل و یا تأییدی که ایشان بر عمل دیگران داشته‌اند، آورده می‌شود.

برای بررسی یک حدیث، باید هر دو قسمت را در نظر داشت و اگر حدیثی قسمت اول؛ یعنی، سند را نداشته باشد، آن حدیث از سوی علما پذیرفتنی نیست؛ مگر این که حدیث دیگری مانند آن، در کتاب‌های حدیثی دیگر یافت شود که دارای سند معتبر و صحیح باشد.

### هندسه‌ی علوم حدیثی

بررسی تاریخ علوم، نشان می‌دهد که دانش‌ها به یک‌باره شکل نگرفته‌اند؛ بلکه در گذر زمان و در پرتوی عوامل گوناگون به فرهنگ و معارف بشری پیوسته‌اند. در سایه‌ی پژوهش و تعلیم و تعلم رشد کرده و پس از تناور شدن به علوم کوچک‌تری تقسیم گشته‌اند.

علوم اسلامی و علم حدیث نیز، سیری این‌چنین داشته است. حدیث در ابتدا فقط یادگیری متن بود، شنیدن کلمات معصوم (ﷺ) به حافظه یا دفتر سپردن آن گوهرها و سپس گزارش نمودن آن برای مشتاقانی که در پی آموختن آن بودند.



۱. موارد دیگری را نیز می‌توان برای اهمیت آموختن احادیث بیان نمود؛ مفسر قرآن به عنوان قرآن ناطق؛ منبعی برای رسیدن به سعادت؛ دفع شبهات.

«علوم حدیثی» مجموعه‌ی دانش‌هایی است که به ما در پذیرفتن یک کلام به‌عنوان حدیث و فهم آن کمک می‌کند.

این علوم را که به ۵ دسته تقسیم می‌شود، می‌توان به دو دسته‌ی کلی‌تر تقسیم نمود که با این دسته‌بندی، غرض پدید آمدن هر یک از این دانش‌ها مشخص‌تر می‌شود. این دو دسته عبارتند از:

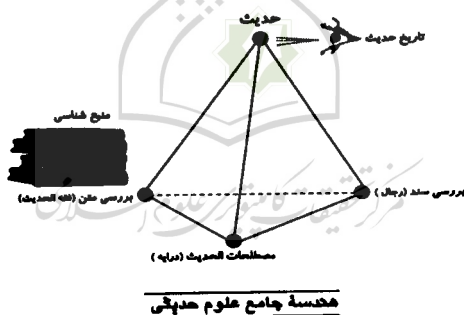
الف) دانش‌هایی که در اخذ حدیث یاری می‌رسانند، عبارتند از:

رجال (بررسی سند حدیث)؛ مصطلحات الحدیث (درايه)؛ منبع‌شناسی و سبک‌شناسی

ب) دانش‌هایی که در فهم حدیث یاری رسانند، عبارتند از:

فقه الحدیث (بررسی متن حدیث)؛ تاریخ حدیث<sup>۱</sup>

هر گروه از این علوم، زیر شاخه‌های متعددی دارند که در ادامگی نوشتار، ضمن تعریف هر کدام یک از این علوم، به تبیین زیر شاخه‌های هر یک پرداخته خواهد شد.



## علم رجال، علم راوی‌شناسی

علمی که در بررسی سند یک حدیث؛ یعنی، تأیید و یا ردّ راویان آن تأثیر مستقیم دارد، علم رجال است که در قدیم آن را به جرح و تعدیل یاد می‌کردند.

علم رجال را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ما وضع لتشخیص رواة الحدیث، ذاتاً ووصفاً، مدحاً و قدحاً». علم رجال، علمی است که برای تشخیص راویان حدیث وضع شده است، چه آنان که بدون واسطه از امام (علیه السلام) روایت می‌کنند و چه آنان که به واسطه‌ی چند نفر از معصوم (علیهم السلام) روایت می‌کنند.

<sup>۱</sup> برخی بر این باورند که این علم در اخذ حدیث کارایی دارد و باید آن را از این رشته دانست؛ اما این گونه به نظر می‌رسد که

بیشترین کارایی این علم در فهم حدیث با توجه به بیان ویژگی‌های زمان صدور است.

مراد از شناخت ذاتی، شناخت حقیقی راوی است؛ به عنوان مثال، پسر کیست؟ پدرش کیست؟ و از کدام قبیله و منطقه هست؟ و مراد از شناخت وصفی، همان شناخت اوصاف اوست؛ مانند مدح و ذم، قدح و جرح، وثاقت و عدالت و سایر جهاتی است که به راوی برمی‌گردد.

به نظر می‌رسد، این تعریف از تعاریف مهم در برگیرنده‌ی خصوصیات علم رجال است. تعریف فوق را علامه مامقانی در مقدمه‌ی تنقیح المقال به ملاحظه‌ی کنی، صاحب کتاب رجالی "تنقیح المقال" نسبت داده است. (محمد حسن ربانی، سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث، قم، مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

با بیان این تعریف، می‌توان بیان کرد که موضوع این علم، راویان حدیث بوده و غایت آن مشخص نمودن راویان قابل اعتماد در حدیث از بین راویان در سندهای حدیث است.

### بخش‌های این علم

برای آموختن این علم، لازم است به دو جنبه‌ی خاص نظر داشت:

نخست «جنبه‌ی نظری» این علم است که یاد گرفتن برخی از مسایل بین علمای این علم پذیرفته شده است.<sup>۱</sup> در این بخش می‌توان این مسایل و موضوعات را مشاهده نمود:

راه‌های شناخت راوی، صفات لازم برای وثاقت یک راوی، راه‌های شناخت علمی، انواع توثیقات، انواع توثیقات خاص، اصحاب اجماع، الفاظ توثیق و تضعیف، تعارض صفات راوی در نزد نگارندگان کتاب‌های رجالی و....

مرتبه‌ی دیگر در علم رجال، توجه به جنبه‌ی عملی این علم است، که با مراجعه به کتاب‌های رجالی که به بررسی تک‌تک راویان پرداخته، این امر آموخته می‌شود.<sup>۲</sup>

آنچه از بیان ذکر شده به دست می‌آید، این است که بخشی از این علم، تنها، جنبه‌ی نظری دارد و بخشی دیگر از این علم فقط جنبه‌ی تحقیق میدانی و کاربردی داشته و نیاز است که آموزنده‌ی این علم، با مراجعه‌ی مستقیم به منابع رجالی، شخصیت راوی را نقد و بررسی کند.

فعالیت عملی این علم، مانند رجوع کسی است که برای دانستن معنای لغتی به یک کتاب لغت رجوع می‌کند.



حَدِيث  
عَلَى  
تَفْصِيلٍ  
عِلْمِيٍّ  
فَصَلِّ عَلَى  
صَلَاتِهِ

۱. همچون: الفاظ رجالیون برای تعدیل و یا جرح راویان. مبنای توثیق راویان، توثیقات خاص مصورمه (۱۳۸۵)، اجماع اصحاب بر وثاقت راویان راه‌های حل تعارض بین جرح و تعدیل. مبنای رجالی علمی شیمه و سنی در برخورد با راویان و....

۲. علم رجال همانند کتاب فرهنگ لغتی است که واژه‌هایی را که معانی آن برای انسان دشوار است حل می‌کند. این دسته از کتاب‌های رجالی

که بدین منظور تدوین شده‌اند؛ نیز، این گونه عمل می‌نمایند که در جای خود به معرفی برخی از این کتاب‌ها پرداخته خواهد شد.

در این بخش لازم است که با کتاب‌هایی که در این باره، به همین هدف نوشته شده است، مراجعه کرد و با رجوع به ترجمه‌ی هر راوی، صفات ویژه‌ای که در قبول سخن او دخیل است، پی برد.

بدین معنا که برای فهم "نقه" و یا "غیرنقه بودن" یک راوی، باید به این دسته از کتاب‌های رجالی مراجعه کرده و با تک‌تک راویان احادیث آشنا شد.

مطالعه‌ی این دسته از کتاب‌ها این‌گونه نیست که لازم باشد از اول تا آخر آن را مطالعه کرد و بر آن تسلط پیدا کرد؛ بلکه همان‌گونه که با کتاب‌های فرهنگ لغت عمل می‌شود؛ باید عمل کرد؛ بدین معنا که برای دانستن معنای لغتی به همان قسمت مراجعه شود، در این باره نیز، باید به همان قسمتی که درباره‌ی راوی، سخنانی گفته شده است، مراجعه کرد.

### مهم‌ترین کتاب‌های رجالی

عنوان کتاب	نام بنیان‌آورنده	تعداد جلد	تعداد صفحات	نوع کتاب
رجال برقی	ابوجعفر احمد بن محمد خالد برقی	۱ جلد	۲۷۴ هـ ق	راوی ۱۷۰۷
رجال ابن فضالری	احمد بن حسین بن عبدالله غضائری	۱ جلد	۴۵۰ هـ ق	راوی ۲۲۵
رجال کشی	محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی	۱ جلد	۳۴۰ هـ ق	راوی ۱۱۵۱
رساله‌ی ابوغالب ززاری	ابوغالب احمد بن محمد بن اعین ززاری	۱ جلد	۳۶۸ هـ ق	راویان آل زراره
رجال طوسی	محمد بن حسن طوسی	۱ جلد	۴۶۰ قی	راوی ۴۶۲۹
فهرست طوسی	محمد بن حسن طوسی	۱ جلد	۴۶۰ هـ ق	راوی ۹۱۲
رجال منشی	ابوالعباس، احمد بن علی نجاشی	۱ جلد	۴۵۰ هـ ق	راوی ۱۲۶۹

منابع اولیه‌ی رجالی (که از قرن سوم تا پنجم نوشته شده است).

منابع اولیه‌ی رجالی شیعه (اشناسی با علوم حدیث، ص ۲۲۷)

که از مهم‌ترین این کتاب‌ها، عبارتند از:

۱. کتاب معرفة الناقلین عن الاثمه الصادقین (معروف به رجال کشی)

۲. کتاب رجال شیخ طوسی





۳. کتاب الفهرست شیخ طوسی<sup>۱</sup>

۴. کتاب الفهرست نجاشی (معروف به رجال نجاشی)

منابع ثانویه رجالی (که در قرن ششم تا هشتم نوشته شده است). (آشنایی با علوم حدیث، ص ۲۲۷).

### منابع ثانویه رجالی شیعه

#### جوامع رجالی شیعه

عنوان کتاب	نام پدید آورنده	وفات	تعداد جلد	مشخصات اجمالی
معالم العلماء	ابن شهر آشوب مازندرانی	۵۵۸ هـ ق	۱ جلد	معرفی ۱۰۲۱ عالم شیعی
فهرست شیخ متجرب الذین	متجرب الدین علی بن عبیدالله رازی	۶۰۰ هـ ق	۱ جلد	معرفی ۵۵۳ عالم شیعی
رجال ابن داود	تقی الدین حسن بن علی بن داود حلی	۷۰۷ هـ ق	۱ جلد	معرفی موثقین و مجروحین
خلاصه الاقوال	حسن بن یوسف بن مطهر	۷۲۶ هـ ق	۱ جلد	تلخیص کتاب رجال کبیر علامه

جوامع رجالی (از قرن دهم تا کنون) (آشنایی با علوم حدیث، ص ۲۲۳)

عنوان کتاب	نام پدید آورنده	وفات	تعداد جلد	مشخصات اجمالی
مجمع الرجال	عنایت الله قهبایی	۹۹۳ هـ ق	۷ جلد	جمع آوری نظرات رجالی منابع اولیه
نقد الرجال	سید مصطفی حسینی قرشی	قرن یازدهم	۵ جلد	اصلاح دیدگاه‌های رجالی پیشین
جامع الزواید	محمد بن علی اردبیلی غروی	۱۱۰۱ هـ ق	۲ جلد	تکیه‌ی اصلی بر رجال استرآبادی و قرشی
الفوائد الرجالیة	سید محمد مهدی بحر العلوم	۱۲۱۲ هـ ق	۴ جلد	بررسی خاندان‌های رجالی
تفحیح المقال	شیخ عبدالله مامقانی	۱۳۵۱ هـ ق	۳ جلد	بررسی ۱۳۳۶۵ راوی
قاموس الرجال	شیخ محمد تقی شوشتری	۱۳۷۴ هـ ش	۱۱ جلد	نقدی بر کتاب تفحیح المقال
معجم الرجال الحديث	سید ابوالقاسم خوبی	۱۴۱۳ هـ ق	۲۴ جلد	بررسی ۱۵۷۰۶ راوی

۱۵۶  
فصلنامه علمی تخصصی حقیقی حلی

۱. تفاوت کتاب رجال و فهرست در این است که کتاب رجالی، نوشته‌ای است که شامل همه روایان حدیث می‌شود. خواه دارای کتب حدیثی باشند و خواه نباشند. مانند: رجال شیخ طوسی؛ اما کتاب فهرست، کتابی است که تنها نام کسانی آورده می‌شود که صاحب اصل یا کتاب حدیث هستند.

## اهمیت علم رجال

علمای رجال برای اثبات نیاز به این علم، دلایلی را در کتاب‌های خویش ذکر کرده‌اند که می‌توان از جمله‌ی دلایل ایشان مطالب زیر را بیان نمود:

(۱) دستور از سوی ائمه (علیهم‌السلام)؛

(۲) وجود جعل‌کنندگان حدیث؛

(۳) اجماع دانشمندان؛

(۴) حجیت خبر ثقه.

(۵) وجود اشخاص اهل عامه در راویان<sup>۱</sup> (انسانی با علوم مدنی، ص ۳۲، ۳۳)

فقه الحدیث یا منطق فهم حدیث

علم فقه الحدیث، علمی است که با بررسی متن حدیث و به‌وسیله‌ی آموزش سیر منطقی فهم حدیث، دانش پژوهان این علم را در فهم مقصود معصوم (علیهم‌السلام) یاری می‌رساند.

این علم، با ارایه‌ی مبانی و آموزش سیر منطقی فهم حدیث که از قواعد ادبی، اصولی، کلامی و دیگر قوانین عقلی و عقلایی استخراج شده است، دانش پژوه را برای رسیدن به آن معنایی که معصوم (علیهم‌السلام) در نظر داشته است، یاری می‌رساند. *فرز تحقیقات کاتب نور علوم اسلامی*

برای این علم نام‌های دیگری نیز، گفته شده است، هم‌چون: علم اعلی، منطق فهم حدیث و...

### چرا فقه الحدیث

امام صادق (علیهم‌السلام) در سخنی، فهم حدیث را مهم‌تر از نقل کردن روایت می‌دانند:

«حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ تَرْوِيهِ وَلَا يَكُونُ إِلَّا جُلُ مِنْكُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِضَ كَلَامِنَا وَإِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ

كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفُ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرُجُ». (بهار الانوار، ج ۹، ص ۱۸۵)

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه فرمائید کلیات علم رجال نوشته‌ی جعفر سبحانی، ترجمه‌ی علی‌اکبر رحیمی، فقه الحدیث و روش‌های نقد آن نوشته‌ی بهلول غروی، سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث نوشته‌ی محمد حسن ربانی، دانش رجال از دیدگاه اهل سنت نوشته‌ی محمد رضا جدیدی‌نژاد، مجموعه مقالات حدیث پژوهی (۱)، سال ۱۳۹۰، مجموعه مقالات حدیث پژوهی (۲)، سال ۱۳۹۰، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه نوشته‌ی محمد کاظم رحمان ستایش، درآمدی بر علم اصول رجال و درایه نوشته‌ی محمد رضا نکونام

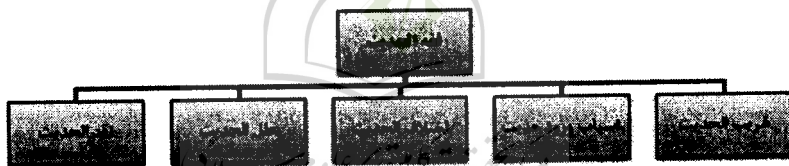
اگر حدیثی را خوب بفهمی، بهتر از آن است که هزار حدیث را روایت کنی و هیچ کدام یک از شما فقیه و دانشمند نمی‌شود تا این‌که سخنان کنایه‌ای و سرپسته‌ی ما را بفهمد؛ چرا که گاه سخنان ما هفتاد تفسیر دارد که برای توجیه هر یک از آنان پاسخی در نزد ما است.

با خواندن این روایت، دانسته می‌شود که امامان معصوم (علیهم‌السلام) خود اولین کسانی بودند که سفارش به آموختن این نوع از مسایل می‌کردند.

فایده‌ی دیگری که از این علم به دست می‌آید، این است که می‌توان نزدیک‌ترین معنایی که مقصود معصوم (علیهم‌السلام) بوده است، کسب کرد و نتیجه‌ی نهایی این است که هر شخص، بیشتر احادیث را می‌داند و تسلط بهتری در درک معنای ایشان دارد، آگاه‌تر به معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشد.

### زیر شاخه‌های این علم

فقه الحدیث که در بین علوم حدیثی، علم اعلیٰ<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، خود از چند زیر شاخه تشکیل شده است، که دانستن تمامی این دانش‌ها، لازمه‌ی ملکه شدن این علم در جان دانش‌پژوهان است.



غریب الحدیث: علمی است که با بیان معانی مفردات کلمات، به فهم حقایق و معارف دینی کمک می‌کند که در این راه باید چهار مرحله را طی کرد: یافتن معنای اصلی، یافتن معنای استعمالی، یافتن معنای حقیقی و مجازی و معنای اصطلاحی لفظ.

اسباب ورود حدیث: دانستن فضای صدور حدیث و علت آن، دانش‌پژوه را در فهم بهتر حدیث یاری می‌رساند. اسباب ورود حدیث، گرچه دانش نیست؛ اما فن و مهارتی است که در خدمت حدیث در فهم آن دخیل است.

اختلاف الحدیث: یکی از مشکلاتی که محققان علوم دینی با آن روبه‌رو هستند، وجود اختلاف در معنای احادیث است؛ بدین معنا که در نگاه اول بین دو کلام از

۱۵۸

فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث

۱. علت این‌که این فقه الحدیث را علم اعلیٰ دانستند، این است که در اصل تمامی علوم دیگر حدیثی، به نوعی مقله‌ی فهم کلمات معصومین (علیهم‌السلام) است و این علم به طور مستقیم به فهم حدیث مربوط می‌باشد و در بین ایشان پرطرفدارترین و جذاب‌ترین دانش‌های حدیثی است.

معصومین (علیهم السلام) تعارضی دیده می‌شود که حل آن برای کسانی که مسلط به فقه الحدیث نیستند، کاری سخت بلکه محال است.

علمی که عهده‌دار حل این تعارضات است، علم اختلاف الحدیث می‌باشد. علل الحدیث: یکی دیگر از مشکلاتی که در فهم حدیث به‌عنوان معضل شناخته می‌شود، غیب‌های پنهانی است که در متن و یا سند حدیث است که در ابتدای امر و خواندن احادیث، قابل مشاهده نیست.

از جمله‌ی این نقص‌ها، افتادگی بعضی از روایان در میان سند و یا اضافه و کم شدن الفاظی در متن و یا سند حدیث است.

یکی از دانش‌هایی که به‌عنوان راهکار حل این مشکل تدوین شده است، علل الحدیث است که با یادگیری قواعد علمی، می‌توان احادیث معلل (غیب‌دار) را در کنار احادیث متشابه آن قرار دهد و با این عمل افتادگی‌ها و یا افزونی‌های اسناد و متن را آشکار می‌کند.

نقد الحدیث: این علم همان‌طور که از نامش مشخص است، با بررسی احادیث به‌وسیله‌ی قواعد علمی، متون صحیح، قوی و معتبر را از روایات ساختگی و ضعیف جدا می‌نماید؛ چرا که شناخت احادیث مجعول و ساختگی کار آسانی نیست و برای به دست آوردن این قوه، نیاز بسیار به آموختن این قواعد و مهارت‌ها است.

در این علم برای نقد احادیث، معیارهایی به دست دانش‌پژوه داده می‌شود. این معیارها عبارتند از: مقایسه‌ی حدیث با آیات قرآن کریم؛ مقایسه‌ی حدیث با سنت و احادیث قطعی؛ مقایسه‌ی حدیث با ضروریات دین و مذهب؛ مقایسه‌ی حدیث با عقل فطری و بدیهی؛ مقایسه‌ی حدیث با علم تجربی قطعی؛ مقایسه‌ی حدیث با مسلمانات تاریخی.

در صورت تعارض حدیث با یکی از معیارهای بیان شده، نمی‌توان به‌راحتی آن حدیث را ساختگی نامید؛ بلکه فقط می‌توان در پذیرش آن تردید کرد و برای کشف حقیقت تلاش بیشتری کرد؛ چرا که ممکن است تعارض حدیث با این موارد، تعارض ابتدایی باشد که قابل حل است.



## سیر منطقی برای فهم حدیث

برای فهم مقصود کلام مصومین ((علیه السلام)) لازم است سه مرحله طی شود:



مرحله‌ی نخست: طی کردن پیش نیازهای فهم حدیث که آن، دو مرحله را در ذیل خود دارد: اول این که متن اصلی حدیث پیدا شود؛ بدین معنا که برخی از سخنان هستند که حدیث نیستند و در بین کتاب‌های حدیثی به عنوان سخن مصوم (علیه السلام) نقل شده است. به همین دلیل لازم است، حدیث بودن یک کلام مشخص شود تا بتوان درباره‌ی فهم آن سخن گفت.

دوم این که نسخه‌های مختلف از متن حدیث پیدا شود.

فهم متن حدیث: در این بخش نیز، پیمودن دو گام طی می‌شود:

**گام اول: فهم معانی لغات:** در هر سخنی ممکن است، ندانستن برخی از کلمه‌ها آن سخن در معنای برداشتی از آن جمله تأثیر داشته باشد، به همین دلیل لازم است، معنای تمامی کلمه‌ها با توجه به معنای زمان صدور حدیث دانسته شود.

**گام دوم: فهم ترکیبات:** به معنای دانستن معنای ترکیباتی که از کنار هم قرار گرفتن مفردات پدید می‌آید

که نتیجه‌ی آن فهم ظاهر متن حدیث است.

فهم مقصود مصوم (علیه السلام): این بخش که مهم‌ترین بخش فقه الحدیث است، نیاز به پیمودن ۵ گام اساسی دارد:

**گام اول:** جامع‌نگری با گردآوری قرینه‌های یک حدیث: در این مرحله لازم است که قرینه‌های داخلی برای فهم حدیث یافت شود. این قراین می‌تواند نوع سؤال راوی، تعلیل امام و... باشد.

**گام دوم:** یافتن اسباب ورود حدیث: هر حدیثی در فضای خاصی ممکن است به سببی از سوی مصوم (علیه السلام) بیان شده باشد که با یافتن آن قرینه‌ها، می‌توان احادیث را بهتر فهمید.

**گام سوم:** تشکیل خانواده‌ی حدیثی: جمع‌آوری احادیث هم‌مضمون و مرتبط با هم را، تشکیل خانواده‌ی حدیثی می‌گویند.



**کام چهارم:** توجه به احادیث متعارض

**کام پنجم:** بهره‌گیری از دست‌آورد های بشری: استفاده از علوم بشری و تجربیاتی که انسان در طول مدت حیات خویش بر روی زمین خاکی به دست آورده است، می‌تواند راهنمایی برای فهم احادیث و قرینه‌های خوبی برای این امر باشد.

### موانع فهم حدیث

موانعی که در فهم حدیث وجود دارد خود به دو دسته‌ی اساسی تقسیم می‌شوند: الف) موانع فهم متن حدیث: در فهم یک متن حدیثی ممکن است، موانعی وجود داشته باشد که این موانع، انسان را از فهم درست این سخنان دور می‌کند. برخی از این موانع عبارتند از: اشتراک لفظی، تحویل زبان، خلط بین معنای لغوی و اصطلاحی یک لغت، خلط بین معنای فارسی و عربی، نادیده گرفتن حروف در ترکیبات، تصحیف و تحریف، تقطیع نادرست.

ب) موانع فهم مقصود معصوم (علیه السلام): مهم‌ترین مرحله در دانش فقه الحدیث و حتی شاید بتوان گفت که اصلی‌ترین مرحله در فقه الحدیث، فهم مقصود معصوم (علیه السلام) از بیان سخنان خویش است.

به همین دلیل شناخت موانعی که ممکن است، در این میان باعث عدم فهم مقصود این سخنان شود، باید شناخته شده و از بین برده شوند. از شاخص‌ترین این موانع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جست‌وجوی ناقص، پیش‌فرض‌های ذهنی، پیروی از هوای نفس، پیروی از آرای خود، ساده‌انگاری، جمود ذهنی، نادیده گرفتن آهنگ سخن و...<sup>۱</sup>

### علم مصطلح الحدیث

سومین علمی که در هندسه‌ی دانش‌های حدیثی مطرح است، علم مصطلح الحدیث یا علم درایه است.<sup>۲</sup> درایه در لغت به معنای مطلق علم و آگاهی است. (خلیل بن احمد فراهیدی، العین، اسوه، قم، دوم، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۵۷۰)

<sup>۱</sup> برای مطالعه‌ی بیشتر می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه فرمائید: فقه الحدیث و روش‌های نقد آن نوشته‌ی تهرانی غروی، اصول و قواعد فقه الحدیث نوشته‌ی محمد حسن ربانی، مبانی نقد متن حدیث نوشته‌ی قاسم بیضانی، روش فهم حدیث نوشته‌ی عبدالهادی مسعودی، علل الحدیث نوشته‌ی محمد باقر بهبودی، علل الحدیث نوشته‌ی محمد باقر بهبودی.



شیخ بهایی در تعریف این علم می‌گوید: «عِلْمٌ يُبْحَثُ فِيهِ عَنِ سَنَدِ الْحَدِيثِ وَ مَتْنِهِ وَ كَيْفِيَّةِ تَحْمَلِهِ وَ آدَابِ تَقْلِيدِهِ» (الوجیزه، ص ۱).

او بر این عقیده است که علم درایه، علمی است که در آن از سند و متن، چگونگی نقل و آداب روایت حدیث گفت‌وگو می‌شود.

شهید ثانی هم در کتاب «الرعايه في علم الدرايه» علم درایه را این‌گونه تعریف می‌کند: «علم درایه علمی است که در آن از متن و طرق حدیث (سند) درست یا نادرست و مخدوش بودن و یا هر آنچه برای شناخت مقبول و مردود بودن آن نیاز است، بحث می‌کند»<sup>۲۱</sup>

### هدف از یادگیری

با بیانی که گذشت، مشخص شد که این علم، به دانش‌پژوه این کمک را می‌کند تا با یادگیری اصطلاحات این علم بتواند، احادیث درست و مقبول را از احادیث نادرست و مردود تشخیص دهد. شهید ثانی در بیان فایده‌ی این علم می‌گوید: «هدف این علم، شناخت آن احادیثی است که می‌توان آن‌ها را پذیرفت و بدان عمل نمود و در مقابل نیز، شناخت احادیثی که نباید آن‌ها را پذیرفت؛ بلکه باید از آن‌ها دوری نمود.» (پیشین).

برخی اشکالی را در جدایی این علم از دیگر علوم حدیثی قابل‌خداشه می‌دانند و قایل هستند که اصطلاحاتی که در این علم به طور جداگانه بحث شده است، باید در همان علم رجال و فقه الحدیث بحث شود و نیاز به تأسیس علم جدیدی با عنوان اصطلاحات نیست. ایشان قایل هستند، همان‌طور که در هر دانشی اصطلاحات آن علم در ابتدای همان آن دانش به‌عنوان مقدمات و مبادی مطرح می‌شود، در علوم حدیثی هم باید این‌گونه باشد و لیکن این‌گونه درست نیست؛ چرا که در علم درایه چنین نیست که اصطلاحات دو علم رجال و فقه الحدیث در آن، بحث شود؛ بلکه در آن از اصطلاحاتی بحث می‌شود که مربوط به متن و سند است؛ اما به رجال و فقه الحدیث مربوط نمی‌شود.<sup>۲۳</sup>

۱۶۲

حلیت  
عقود  
تخصی  
علی  
صلوات

۱. شهید ثانی، الرعايه في علم الدرايه، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ق. ص ۱۵.

۲. با تعاریفی که از این علم بیان شد، می‌توان این را گفت که موضوع این علم، متن و سند احادیث است.

۳. در این زمینه باید مقاله‌ای جدا نوشته شود.

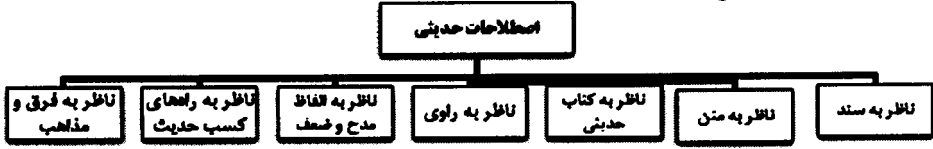
۴. برخی از نخستین گاشته‌های در این علم، عبارتند از: البدياه الدراییه، نوشته شهید ثانی (م ۱۳۰۵ ق)، الرعايه في علم الدرايه، نوشته شهید ثانی (م ۱۳۰۵ ق).

۵. الوجیزه في علم الدرايه، نوشته شیخ بهایی (م ۱۳۰۵ ق)؛ و مقابله الهدایه في علم الدرايه، نوشته

عبدالله مامقانی (۱۳۳۵ ق)، درایه الحدیث نوشته دکتر شادی نیسی.

## اصطلاحات در این علم

در این علم به ۷ دسته از اصطلاحات پرداخته می‌شود که در این جا به برخی از این اصطلاحات اشاره می‌شود:



از جمله‌ی اصطلاحاتی که در این علم بدان اشاره می‌شود، می‌توان موارد زیر را اشاره نمود:

سند، متن، خبر متواتر، خبر واحد، شیخ، طبقه، حدیث قدسی، صحابی، تابعی، مخضرم، مسند، متصل، مرفوع، موقوف، مقطوع، مضمَر، مشهور، شاذ (نادر)، منکر، مستفیض، معلق، نص، ظاهر، مشکل، غریب، مقبول، معتبر، مطروح و...<sup>۱</sup>

## تاریخ حدیث

یکی از علمی که در کنار فهم و حتی در پذیرش حدیث به یک عالم حدیثی یاری می‌دهد، تاریخ حدیث است.<sup>۲</sup>

علم تاریخ حدیث، علمی است که به بررسی دوران‌های گوناگون حدیثی می‌پردازد یا به عبارتی دیگر، علمی است که به بررسی دوران‌های مختلف حدیثی از حیث نگارش، تدوین و هم‌چنین توصیف فضای صدور حدیث می‌پردازد.<sup>۳</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب‌های مربوط در این زمینه رجوع نمایید: علوم حدیث و مصطلحات آن نوشته‌ی صبحی صالح (فرهنگ اصطلاحات حدیث نوشته‌ی محمد یوسف حرری؛ علم الحدیث نوشته‌ی کاظم مدیر شانه‌چی؛ درس‌نامه‌ی درایت الحدیث نوشته‌ی سید رضا مؤید؛ درایت الحدیث نوشته‌ی استاد جعفر سبحانی.

۲. برخی برآنند که شاخه‌ی دیگر در علم تاریخ حدیث به نام تاریخ علوم حدیثی قرار دهند اما آنچه به نظر می‌رسد، این است که بررسی تاریخ علوم حدیثی وابسته به همان علم و جایگاه بحث از آن در همان علم است.

۳. جریان شناسی تاریخ حدیث شیعه، بیانگر اهمیت نگارش حدیث در میان طرفداران اهل بیت (علیهم‌السلام) است. در حالی که خلفا بنا بر هر دلیلی از نگارش احادیث ممانعت می‌کردند و حتی در مواردی از نقل سخنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باز می‌داشتند؛ اما پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و جانشینان معصومش (علیهم‌السلام) همواره بر نگارش احادیث پافشاری می‌کردند. برای مطالعه‌ی بیشتر به کتاب «تاریخ حدیث شیعه» (۱) نوشته‌ی استاد کاظم طباطبایی مراجعه شود.



## اهمیت علم تاریخ حدیث

اثمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) با توجه به نیازی که در جامعه‌ی احساس می‌کردند، اقدام به سخن گفتن می‌نمودند و هیچ‌گاه بدون توجه به زمان، کلامی را بیان نمی‌کردند.



دوران معاصر

پس آنچه از این سخن فهمیده می‌شود، این است که دانستن زمان بیان حدیث و این که کدام یک از معصومین (علیهم‌السلام) در چه فضایی آن حدیث را بیان کرده‌اند، ما را در فهم آن حدیث بسیار کمک می‌کند.

در اصل، حدیث هم‌چون رودخانه‌ای در گذر زمان با پدیده‌های مختلفی رویه‌رو شده است که با درک آن زمان، می‌توان حدیث را بهتر معنا کرده و برداشت‌های درست‌تری از احادیث داشت. به بیانی دیگر، تاریخ حدیث با نگاه تیزبین خود، به تمامی این دوران و فضاهای مختلف حدیثی، یک نگاه کلی را جایگزین نگاه بسیط می‌نماید.

### فواید تاریخ

فوایدی که از خواندن تاریخ حدیث برای پدید می‌آید، عبارتست از:

۱. آشنایی با روش‌های آموزشی اثمه (علیهم‌السلام)؛
۲. آشنایی با فرهنگ‌های حدیثی؛
۳. آشنایی با مکتوبات حدیثی؛
۴. آشنایی با فرقه‌ها و مدارس حدیثی.

### تاریخ حدیث شیعه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید در تاریخ حدیث بدان اشاره شود، جدایی تاریخ حدیث شیعه از تاریخ حدیث مذاهب دیگر اسلامی است.

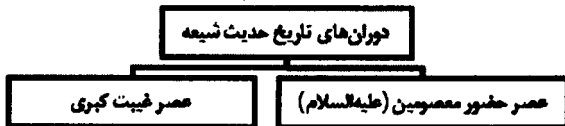


یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث جدایی بین شیعه و دیگر فرقه اسلامی به‌خصوص اهل سنت شده است، بحث منع از تدوین حدیث در میان اهل سنت است. منع تدوین حدیث باعث شد تا حدود یک قرن یعنی تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، اهل سنت از داشتن کتاب‌ها و متن‌های حدیثی به دور باشند؛ اما شیعیان به‌علت جایگاه مهم حدیث در فهم دین و دسترسی به معصومین (علیهم‌السلام) در حدود ۲۷۳ سال، از آغاز دعوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا ابتدای غیبت صغری به کتابت حدیث اهمیت ویژه‌ای می‌دادند و حتی در پنهان به امر گسترش حدیث می‌پرداختند. امامان شیعه از همان ابتدا، امر به نوشتن حدیث را در میان شیعیان رواج می‌دادند و یاران خویش را به نوشتن سخنان و کلمات خود، سفارش می‌کردند. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است: «قَدْ وَالْعِلْمُ بِالْكِتَابَةِ» (بهارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۴، ح ۳۵) دانش را با نوشتن به بند بکشید.

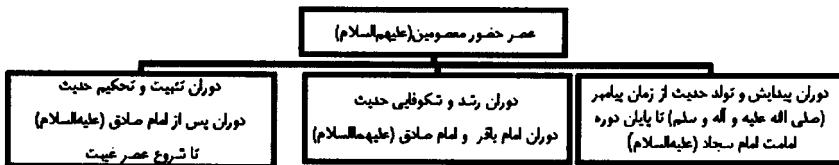
یا در هنگامی که «ابوشاه یمنی» یکی از سخنرانی‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را پس از فتح مکه شنید، از ایشان درخواست کرد که آن سخنان را برایش بنویسد، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به یاران خود فرمود: «برای ابوشاه این سخن را بنویسید.»

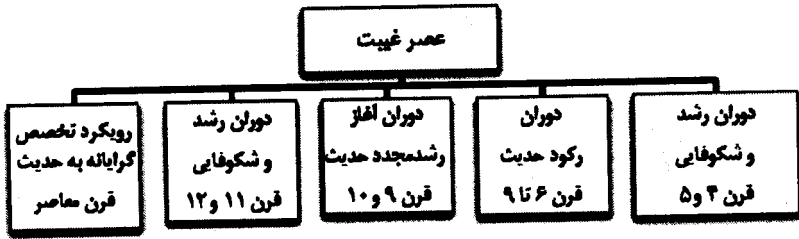
### دوران‌های تاریخ حدیث شیعه

تاریخ حدیث شیعه را می‌توان به دو دوره‌ی عمده تقسیم نمود:



هر یک از این دو عصر نیز خود به زمان‌های فرعی‌تری قابل تقسیم می‌باشند:





در تاریخ حدیث به طور جداگانه به بخش های مختلف آن پرداخته و درباره ی نگاشته های حدیثی نیز، بحث می شود. در کنار مطالبی که در تاریخ حدیث شیعه مطرح می شود، در نزد اهل سنت نیز بحث می شود.<sup>۱</sup>

### منبع شناسی

عالمان بسیاری در سالیان دراز، اقدام به جمع آوری احادیث معصومین (علیهم السلام) کرده اند که شناخت این مجموعه های حدیثی بسیار راهگشای محققان در امور دینی است.

آشنایی با نخستین نگاشته های شیعه با عنوان اصول اربعه<sup>۲</sup> و پس از آن انتقال این دسته از معارف به رساله های موضوعی و پس از آن نگارش جوامع حدیثی، مطلبی است که علم منبع شناسی عهده دار آن است.

بر محققانی که قصد فهم معارف دینی از طریق احادیث اهل بیت (علیهم السلام) را دارند، لازم است به گونه ای درست و دقیق منابع حدیثی را بشناسند تا بتوانند از این منبع عظیم که حاصل همت عالمان شیعی است، استفاده کامل و دقیق را ببرند.

شناختی که مورد نظر است، عبارت است از: شناخت مؤلف کتاب، اساتید او، مدرسه ی فقهی و فکری نویسنده ی کتاب، عصر تاریخی، حوادث اجتماعی و فرهنگی دوران او، چگونگی نگارش کتاب، ضابط بودن نویسنده و بسیاری مطالب دیگر که راهگشای امر تحقیق است.

"منبع شناسی" علمی است ابزاری که به تبیین و توصیف هریک از کتاب های حدیثی پرداخته و سبک و شیوه ی نگارش هر کدام را با ذکر هدف آن تبیین می نماید.

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره می توانید به کتاب های زیر مراجعه نمایید: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه نوشته مجید مطرف، تاریخ حدیث شیعه عصر حضور نوشته استاد سید کاظم طباطبائی، تاریخ حدیث نوشته اسدالله جیشیدی.

شاید بتوان این مطلب را بیان داشت که علم منبع‌شناسی، علمی است که به‌صورت جزئی، به بررسی کتاب‌ها و توصیف آن‌ها می‌پردازد و به بیانی دیگر یک علم جزئی‌نگر است.

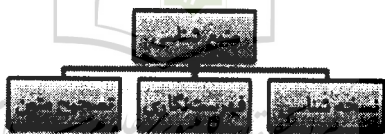
گرچه رشته‌های علمی که در آن وجود دارد از جمله: نسخه‌شناسی و... بیان‌کننده‌ی یک‌سری مباحث کلی و دارای قاعده است و لیکن نتیجه‌ی حاصل از آن یک امر جزئی؛ یعنی، شناخت کتاب‌های حدیثی است.

با بیانی که گذشت، می‌توان این ادعا را کرد که یکی از ثمرات این علم، آشنایی با کتاب‌های حدیثی و سبک استفاده از ایشان است به‌طوری که راحت‌تر بتوان به مطالبی که مورد نظر است، رسید.

### شاخه‌های این علم

برخی از مباحثی که به‌عنوان زیر مجموعه‌ی این علم مطرح می‌شوند، خود علمی

گسترده یا یک مهارت است که ملکه شدن آن زمانی بس طولانی را می‌طلبد. این دسته از علوم عبارتند از:



نسخه‌شناسی: این علم یکی از علومی است که با آن می‌توان نسخه‌های بهتر از یک روایت را انتخاب کرد. نسخه‌شناسی، یکی از دانش‌هایی است که به‌عنوان مقدمه‌ی تصحیح متون به‌کار گرفته می‌شود. فهرست‌نگاری: دسته‌بندی کتاب‌های حدیثی و شناخت نسخه‌های مختلف از یک کتاب، خود علمی است که به‌عنوان فهرست‌نگاری شناخته می‌شود.

تصحیح متون: اگر چه این دانش پیشینه‌ای بس کهن دارد، لیکن تصحیح متون به‌وسیله‌ی روش‌های علمی و دارای قاعده و بعد از آن چاپ با وسایل امروزی، کم‌تر از ۱۵۰ سال سابقه دارد.

در سالیان اخیر، بسیاری از متون حدیثی شیعه با این روش، تصحیح و چاپ شدند که از این جمله می توان به تصحیحاتی که استاد علی اکبر غفاری بر کتاب‌هایی همانند کافی، تهذیب، کتاب‌های شیخ صدوق نموده‌اند، اشاره کرد.<sup>۱</sup>

## جمع‌بندی

آنچه قصد نویسنده از نوشتن این مقاله بود، بیان برخی از دانش‌هایی است که راهنمای طالبان معارف دینی از سخنان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان یکی از منابع فهم دین و راه رسیدن به سعادت است.

در اصل این دسته از علوم، که در گذر زمان و برخی از ایشان به سفارش اهل‌بیت (علیهم‌السلام) تدوین گشته‌اند، راه روشن و مشخصی است که گریزی از آن برای فهم حدیث نمی‌باشد و بی‌تفاوتی نسبت به این دانش‌ها و عدم بهره‌گیری از ایشان، شخص را با نقص در فهم و اخذ حدیث مواجه خواهد کرد.

این دسته از علوم به دو دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شدند. دسته‌ای از علوم بودند که در پذیرش و یا رد حدیث، نقش مستقیم داشتند. این دسته عبارت هستند از:

۱) علم رجال که وظیفه‌ی اصلی آن، تمیز روایان ثقه و قابل اعتماد در حدیث از روایان غیر قابل اعتماد و جعل‌کننده‌ی حدیث است.

۲) علم درایه الحدیث که به بیان اصطلاحات مطرح در کلیه‌ی دانش‌های حدیثی می‌پرداخت.

۳) منبع‌شناسی که گاه سبک‌شناسی را نیز در کنار آن مطرح می‌کنند، به تبیین و توصیف هر یک از کتاب‌های حدیثی پرداخته و سبک و شیوه‌ی نگارش هر کدام را با ذکر هدف آن تبیین می‌کند.

دسته‌ای دیگر از این علوم عبارتند از علوم‌ی که در فهم مقصود اهل‌بیت (علیهم‌السلام) دخالت دارند. این علوم عبارتند از:

۱) علم "فقه الحدیث" که با بیان سیر منطقی ما را در رسیدن به مقصود اصلی معصوم (علیهم‌السلام) از کلامش یاری می‌رساند.

۲) علم "تاریخ حدیث" که به‌عنوان علم ابزاری در کنار منبع‌شناسی راهی برای فهم بهتر احادیث با توجه به دوران‌های حدیثی است.



۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در این مورد می‌توانید به منبع زیر مراجعه فرمایید: آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و لاهل سنت نوشته‌ی علی نصیری؛ آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه نوشته‌ی مهدی مهریزی؛ جوامع حدیثی شیعه نوشته‌ی هادی حجت‌آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی نوشته‌ی سید محمد کاظم طباطبایی؛ سبک‌شناسی کتب حدیثی نوشته‌ی مهدی غلامعلی.

## کتاب‌نامه

۱. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم، نشر اعلام اسلامی، ۱۳۶۲.
۲. بهایی، محمد بن حسین، قم، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۶هـ.ق.
۳. حجت، هادی، جوامع حدیثی شیعه، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۴. ربانی، محمد حسن، اصول و قواعد فقه الحدیثی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۵. ربانی، محمد حسن، سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۵.
۶. رحمان ستایش، محمد کاظم، آشنایی با کتب رجالی شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۷. رحمان ستایش، محمد کاظم، بازشناسی منبع رجالی شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴.
۸. سبحانی، جعفر، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۶هـ.ق.
۹. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۲۷هـ.ق.
۱۰. سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی، بیروت، در لکب العربی، ۱۴۱۴هـ.ق.
۱۱. صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلحات آن، ترجمه‌ی عادل نادر علی، تهران، اسوه، ۱۳۷۶.
۱۲. صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلحه، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۸هـ.ق.
۱۳. صلوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تهران، منشورات جهان، ۱۳۸۳.
۱۴. طباطبایی، سید محمد کاظم، تاریخ حدیث شیعه (۱)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
۱۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مؤسسه البعث، ۱۳۷۲.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۸هـ.ق.
۱۷. عابدی، احمد، آشنایی با بحار الانوار، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸.
۱۸. عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، قم، آل‌الیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹هـ.ق.
۱۹. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، مکتبه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، ۱۳۶۵.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، سید جواد مصطفوی، تهران، وفاء، ۱۳۸۲.
۲۱. مدیر شانه‌چی، کاظم، تاریخ حدیث، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۲۲. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۲۳. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر، ۱۳۸۷.
۲۴. مهریزی، مهلی، آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۵. مؤدب، سید رضا، درس‌نامه‌ی درایت الحدیث، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی، الفهرست، قم، مؤسسه‌ی نشر اسلامی، ۱۴۲۹هـ.ق.
۲۷. نصیری، علی، آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۸. نصیری، علی، آشنایی با علوم حدیث، قم، مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۲.

